



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

مشخصات گزارش:

تهیه و تدوین کنندگان:

فاطمه محمدی
محسن کرمانی

ناظران علمی:

محمدرضا مالکی
مهدی مختاری پیام

شماره مسلسل:

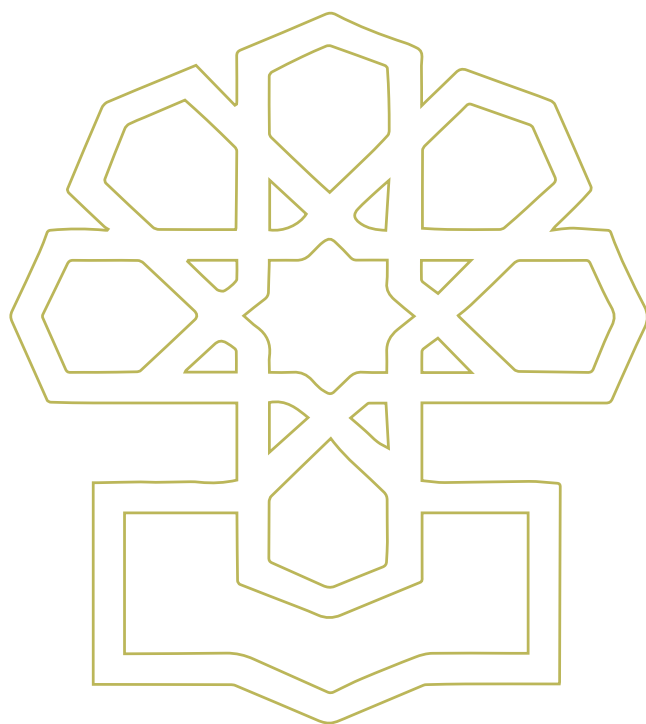
۲۱۰۱۸۶۴۴

تاریخ انتشار:

۱۴۰۱/۱۰/۱۷



دفتر مطالعات اجتماعی



افزایش یا ثبات نرخ طلاق در جامعه کدام یک به واقعیت نزدیک‌ترند؟

مقدمه و بیان مسئله

خانواده کوچک‌ترین نهاد اجتماعی و مهم‌ترین کانون اجتماعی شدن و هویت‌یابی فرد در جامعه است. علاوه بر این، خانواده با ضابطه‌مند کردن روابط و مناسبات زن و مرد در جامعه و نیز فراهم آوردن شرایط حمایت از اعضای خود در برابر آسیب‌های جسمی، روانی و اجتماعی، جامعه را سلامت، امنیت و ثبات می‌بخشد. در همین خصوص خداوند نیز در سوره فرقان بر اهمیت خانواده و پیشاهنگی آن در تشکیل جامعه نمونه انسانی تأکید می‌کند. از این رو، حاکمیت وظیفه دارد با رصد دقیق وضعیت نهاد خانواده و برنامه‌ریزی دقیق در این زمینه شرایط را برای استحکام این نهاد و جلوگیری از طلاق و فروپاشی آن فراهم سازد. اما، آگاهی از وضعیت استحکام نهاد خانواده خاصه پدیده طلاق به مثابه یک آسیب اجتماعی در عرصه سیاستگذاری اجتماعی، نیازمند در اختیار داشتن یک شاخص دقیق و معتبر است. در حال حاضر، کاربرد و استناد به شاخص‌های مختلف آماری در میان پژوهشگران، سیاستگذاران و فعالان اجتماعی موجب شکل‌گیری تصاویر متفاوت و بعضاً متعارض از وضعیت و روند طلاق در جامعه شده است. تا جایی که برخی روند طلاق در جامعه را کاملاً افزایشی و نگران‌کننده توصیف می‌کنند و در مقابل، برخی دیگر وضعیت آن را با ثبات می‌دانند. از این رو، ارزیابی و بازبینی شاخص‌های رایج در این حوزه لازم و ضروری است.

شاخص‌های آماری سنجش طلاق

خوشبختانه مطالعات و گزارش‌های متعددی (مانند اینگلند و کانز،^۱ ۱۹۷۵؛ عباسی و همکاران، ۱۳۹۷؛ کلهر و همکاران، ۱۳۹۸) شاخص‌های آماری سنجش وضعیت طلاق را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند. برحسب یافته‌های این مطالعات، یکی از ساده‌ترین شاخص‌هایی که برای رصد تحولات طلاق مورد استفاده مراجع مختلف قرار می‌گیرد، **بررسی و مقایسه فراوانی رویدادهای ثبت شده** است. برای مثال، فراوانی خام طلاق برحسب سال نشان می‌دهد که چه تعداد طلاق در هر سال به ثبت رسیده است. اما از آنجایی که این شاخص تصویری از میزان شیوع پدیده ارائه نمی‌کند نمی‌تواند مبنای تحلیل سیاستی قرار گیرد. یکی دیگر از شاخص‌های رایج و متداول در این زمینه که اغلب رسانه‌ها و حتی در متون تخصصی نیز به کار می‌رود، **نسبت ازدواج به طلاق**^۱ است. این نسبت حاصل تقسیم تعداد ازدواج‌های ثبت شده در یک سال بر تعداد طلاق‌های ثبت شده در همان سال است که تعداد ازدواج‌های واقع شده به‌ازای هر طلاق را در آن سال نشان می‌دهد. درواقع این شاخص نشان می‌دهد به‌ازای ثبت چه تعداد ازدواج در جامعه یک طلاق ثبت شده است. علاوه بر این، نسبت ازدواج به طلاق این شاخص که از میان چه تعداد ازدواج یک مورد به طلاق منتهی شده نادرست است. علاوه بر این، نسبت ازدواج به طلاق میزان شیوع پدیده طلاق را در جامعه نشان نمی‌دهد.

شاخص پرکاربرد سوم میزان عمومی طلاق^۲ است، این شاخص تعداد طلاق‌های واقع شده در یک دوره زمانی معین (معمولاً سال) را به جمعیت میانه در همان دوره تقسیم و در ۱۰۰۰ ضرب می‌کند و نشان می‌دهد که به‌ازای هر هزار نفر جمعیت در جامعه چند نفر طلاق گرفته‌اند. درواقع این شاخص در مقایسه با دو شاخص قبل، نرخ شیوع رویداد طلاق را نشان می‌دهد. اما از آنجایی که جمعیت ازدواج نکرده نیز در مخرج کسر این شاخص محاسبه می‌شود دارای خطاست و نمی‌تواند تغییرات نرخ طلاق را به شکل دقیق به تصویر بکشد. درحقیقت ما نیازمند شاخصی هستیم که به شکل خالص میزان شیوع طلاق در میان جمعیت متأهل جامعه را بسنجد. این شاخص، یعنی میزان طلاق متأهلان یا شاخص باز تعریف شده طلاق^۳، حاصل تقسیم تعداد طلاق‌های روی داده (تعداد رویداد) به جمعیت زنان دارای همسر (جمعیت در معرض رویداد) در میانه یک سال ضرب در ۱۰۰۰ است. به اعتقاد کارشناسان مختلف این شاخص به نسبت سایر شاخص‌ها دقیق‌تر است زیرا شیوع رویداد طلاق را در میان جمعیت متأهلان می‌سنجد و تغییرات ساختار جمعیتی جامعه تأثیری بر آن ندارد. بنابراین به واقعیت وضعیت طلاق در ایران نزدیک‌تر است.

وضعیت روند طلاق در جامعه ایران

برحسب شاخص فراوانی خام طلاق‌های ثبت شده و نیز شاخص نسبت ازدواج به طلاق روند رویداد طلاق در طول دهه ۹۰ در ایران کاملاً افزایشی بوده است، اما برحسب شاخص میزان عمومی طلاق و شاخص میزان طلاق متأهلان که میزان شیوع پدیده طلاق را در جامعه نشان می‌دهند، روند طلاق در طول دهه گذشته در ایران تقریباً ثابت بوده است. در جدول زیر میزان طلاق متأهلان در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ ارائه شده است.

جدول ۱. روند میزان طلاق متأهلان از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹

سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
نرخ طلاق متأهلان (به ازای هر هزار زن)	۸/۶	۸/۳	۸/۴	۸/۵	۸/۴	۸/۵	۸/۱	۸/۳

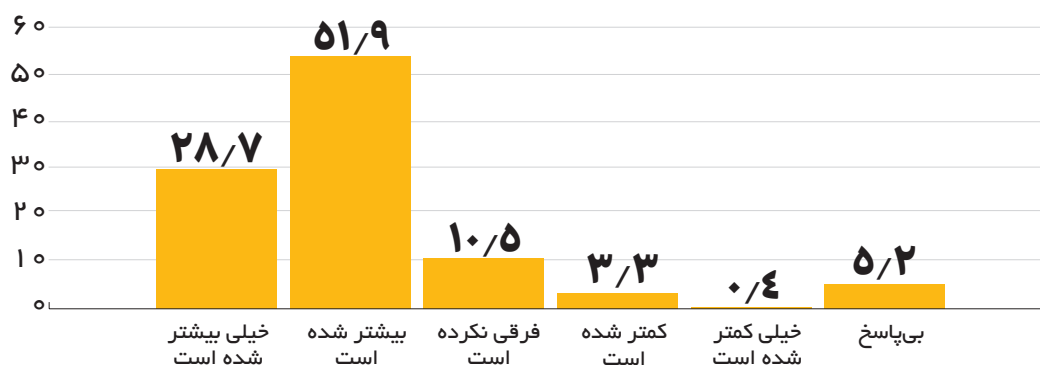
مأخذ: سازمان ثبت احوال کشور، سالنامه آمارهای جمعیتی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰

برحسب داده‌های جدول بالا، در سال ۱۳۹۹ به‌ازای هر هزار زن دارای همسر در کشور هشت مورد طلاق رخ داده است. این میزان تقریباً برای تمام سال‌های دهه ۱۳۹۰ به همین نسبت بوده است. به عبارتی برحسب شاخص طلاق متأهلان ما در دهه ۱۳۹۰ با ثبات میزان وقوع طلاق در جامعه مواجه بوده‌ایم. در این خصوص، با در نظر گرفتن این مطلب که طبق قوانین شرعی و عرفی ایران هر زن در هر زمان می‌تواند صرفاً در یک واحد زناشویی حضور داشته باشد؛ بنابراین، می‌توان هر زن دارای همسر را معرف یک واحد خانوادگی یا یک زندگی مشترک دانست.

ذهنیت جامعه در مورد طلاق

جامعه‌شناسان معمولاً میان واقعیت یک پدیده و ادراک و ذهنیت جامعه از آن تمایز قائل شده و در غالب موارد نیز ذهنیت جامعه در مورد پدیده را مهم‌تر از اصل واقعیت آن می‌دانند. بر همین اساس، مرکز پژوهش‌ها، به‌رغم ثبات نسبی نرخ طلاق در جامعه، در قالب یک پژوهش افکارسنجی به سنجش ذهنیت جامعه و نظر مردم در مورد وضعیت طلاق در جامعه پرداخته است. نتایج حاصل از پاسخ به پرسش «میزان وقوع طلاق در پنج سال گذشته چه تغییری داشته است؟» در نمودار زیر ارائه شده است.

نمودار ۱. نظر مردم درباره رواج پدیده طلاق در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ (درصد)



مأخذ: نتایج گزارش افکارسنجی درباره آسیب‌های اجتماعی، مؤسسه افکارسنجی ملت، ۱۴۰۰.

برحسب داده‌های نمودار فوق به ترتیب ۵۲ و ۲۹ درصد از اعضای جامعه در پاسخ به این پرسش که میزان وقوع طلاق در پنج سال گذشته چه تغییری داشته است معتقدند میزان وقوع طلاق در جامعه «بیشتر» و «خیلی بیشتر» شده است. به عبارتی، با وجود ثبات نرخ طلاق، جامعه تحت تأثیر استفاده نادرست از شاخص‌های آماری توسط مسئولان و کارشناسان در رسانه‌های مختلف بر این باور است که رخداد طلاق به شکل معناداری افزایش یافته است. بدون تردید، وجود و غلبه چنین ذهنیتی بر جامعه خود عامل مهمی در «عادی‌انگاری» و «قبیح‌زدایی» از پدیده طلاق است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مجموع، با توجه به اینکه «میزان طلاق متأهلان» از یک‌سو میزان شیوع و رواج رویداد طلاق را در جامعه نشان می‌دهد و از سوی دیگر از تغییرات ساختار جمعیت جامعه تأثیر نمی‌پذیرد، به‌نظر می‌رسد نسبت شاخص‌هایی چون فراوانی طلاق‌های ثبت شده، نسبت از دواج به طلاق و میزان عمومی طلاق شاخص دقیق‌تری برای ترسیم وضعیت و روند طلاق در جامعه باشد. از این رو، برحسب میزان طلاق متأهلان در طول دهه گذشته نرخ وقوع طلاق در جامعه تقریباً ثابت و بدون تغییر بوده است در حالی که براساس فراوانی طلاق‌های ثبت شده و نسبت از دواج به طلاق ما با افزایش رویداد طلاق در جامعه مواجه بوده‌ایم. با توجه به بررسی و ارزیابی به‌عمل آمده شاخص‌های اخیر برای بیان وضعیت طلاق در جامعه دقیق نیستند؛ لکن، استفاده از این شاخص‌ها برای مراجع مختلف به‌ویژه مسئولان موجب شکل‌گیری این ذهنیت در جامعه شده است که در سال‌های گذشته جامعه با افزایش رویداد طلاق مواجه بوده است. بدون تردید، وجود چنین ذهنیتی که خود به‌دلیل استفاده از داده‌های غلط در جامعه شکل گرفته می‌تواند موجبات عادی‌انگاری و شکست بیشتر قبح طلاق را در جامعه فراهم سازد. بنابراین باید مسئولان، پژوهشگران، رسانه‌ها و سایر افراد تأثیرگذاری که با مقوله طلاق در جامعه سروکار دارند از شاخص‌های آماری دقیق در این زمینه استفاده کنند. در این باره، همان‌طور که بیان شد به‌نظر می‌رسد «شاخص طلاق متأهلان» به نسبت سایر شاخص‌ها از اعتبار بیشتری برخوردار است. برحسب این شاخص نیز در دهه گذشته وضعیت و روند طلاق در کشور ثابت بوده است.

1. marriage to divorce rate
2. crude divorce rate
3. refined divorce rate

منابع و مآخذ

۱. سالنامه آمارهای جمعیتی سال ۱۴۰۰، سازمان ثبت احوال کشور.
۲. عباسی، محمدباقر؛ علیزاده، مرجان؛ امیدوار شلمانی، صدیقه؛ حسینی، سیدمحمد؛ خطیبی، آمنه و محدثه صفاکیش؛ سازمان طلاق در ایران ۱۳۹۶، گزارش رسمی طلاق در ایران، دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت، ۱۳۹۷.
۳. کلهر، سینا؛ باجلان، اکرم و آسیه ارحامی؛ ارزیابی اعتبار شاخص‌های سنجش میزان طلاق در جامعه، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۸.
۴. مرکز پژوهش‌های مجلس، پروژه افکارسنجی درباره نگرش مردم به آسیب‌های اجتماعی در کشور، فروردین ۱۴۰۱، شماره مسلسل: ۱۸۱۷۲.
5. England. J. Lynn & Kunz. Phillip. R. The Application of Age- Specific Rates to Divorce. Journal of Marriage and family. Vol. 37, No. 1, 1975.